

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

زکات لغتاً یعنی پاک کردن ولی عرفاً اصطلاح شده است در زکات مال. چون مقرر شده است که هر کسی از مال خودش بردارد و در راه خداوند به طریقی که فرموده‌اند خرج کند، در واقع مابقی مالش را پاک می‌کند. به این مناسبت اسمش را زکات گذاشتند. از عباداتی که در همه‌ی ادیان می‌باشد صوم است و صلوة. نماز و روزه در همه‌ی ادیان هست. این است که در همه‌ی زبان‌ها، برای صوم و صلوة لغت خاصی دارند؛ ما هم در فارسی می‌گوییم روزه و نماز ولی زکات به آن معنای عرف شرعی در همه‌ی ادیان به صورت منظم نیست. در مسیحیت، دین حضرت مسیح، موردی تحت عنوان زکات نداریم، البته توصیه‌ی کمک به هم‌نوع، توصیه‌ی به گذشت و فداکاری و محبت شده و گفته‌اند دین عیسی، دین محبت است. در اسلام هم ما از حضرت صادق علیه السلام حدیثی داریم که فرمود: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، آیا دین چیزی جز محبت است، این است که بعضی به اصطلاح تفرس می‌کنند و می‌گویند که عیسی علیه السلام پیغمبر عرفا است یا عارف پیغمبران است. این یک تعبیر ذوقی است و الا همه‌ی پیغمبران عرفان را داشتند ولی در یهودیت، دین حضرت موسی، مقدار مشخصی از اموال را همه‌ی اشخاص باید بدهند، چون یهودیان جامعه تشکیل دادند ولی حضرت عیسی فقط تعلیمات اخلاقی داشت و در مسیحیت دستور خاصی راجع به پرداخت مالی وجود ندارد.

جامعیت دین اسلام هم این است که هم به کار دنیا می‌پردازد و برای آن دستوراتی می‌دهد، هم به کار آخرت. هم دستورات اخلاقی دارد، هم زکات مال را واجب کرده است. در سوره‌هایی که در مکه نازل شده در صفات مؤمنین می‌فرماید: وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (سوره ذاریات، آیه ۱۹) کسانی که در مال خودشان برای سائل و محروم حقی دارند. اما چقدر؟ نفرموده است. جای دیگری در همان سوره‌های مکی می‌فرماید: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (سوره معارج، آیات ۲۴-۲۵) همان معناست منتها فرموده حَقٌّ مَّعْلُومٌ تا مشخص‌تر کردند یعنی آنقدر این امر مهم است که مثل اینکه مسلم و معلوم است که این حق را باید بدهد. اما در مدینه که حضرت تشریف آوردند و حکومت تشکیل دادند، مبنای خرج حکومت در واقع از زکات بود. در آنجا غیر از جنبه‌ی اخلاقی و جنبه‌ی ایمانی، صورت یک حکم حکومتی را هم پیدا کرد یعنی در حکومت مثل مالیات که می‌گیرند، زکات را هم می‌گرفتند.

البته آنوقت‌ها اموال رایج عبارت بود از شتر، گاو، گوسفند یا خرما، کشمش، جو و گندم و پولشان هم فقط سکه‌های طلا و نقره بود. اسکناس بعدها به اصطلاح ساخته شد. این است که در

قرآن موارد زکات را نمی‌بینیم فقط مشخص شده است که زکات باید داد. راجع به خمس هم فرموده‌اند که: **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ** (سوره انفال، آیه ۴۱) در مورد خمس فرموده‌اند که آنچه که غنیمت گرفتید که حالا این غنیمت هم بحث دارد، **خُمُسُهُ** یعنی یک پنجم آن را پرداخت کنید. اما خود خمس هم بنابر آیه دو قسمت می‌شود که یک قسمتش به خدا و رسول و امام و ولی وقت که ائمه بودند می‌رسد و یک قسمتش به یتیمان، مساکین و در راه ماندگان به اصطلاح **وَابْنِ السَّبِيلِ**. عشر نصف خمس است. اخباری هست که امام فرمودند در زمان غیبت، سهم خودمان را به مؤمنین، به پیروان خود بخشیدیم. به هر جهت منظور این است که خمس احکام مشخصی دارد در مورد زکات هم مواردی را فرموده‌اند. **(برگرفته از شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲)**

عشریه در لغت یعنی نصف خمس، عشر نصف خمس است. خمس از احکام شرعی است. زکات هم از احکام شرعی است؛ زکات فطره هم همین‌طور. بارها گفته و نوشته شده است که در این قبیل مسائل به رساله‌ی یکی از آقایان مراجعی که خود شما تشخیص می‌دهید که بهترین است، ان‌شاءالله تشخیص شما درست باشد و از او تقلید می‌کنید، رجوع کنید و در رساله‌اش هر چه نوشته است، همانطور خرج کنید. اگر هم می‌توانید حساب خمس و زکات و زکات فطره را جداگانه و دقیق حساب کنید، خیلی بهتر است و در آن صورت خود شما می‌توانید خرج کنید برای اینکه در همان رسالات نوشته شده که مصرف انفاقات شرعی چیست ولی اکثر مردم وقت و مجال اینکه این حساب‌ها را بکنند ندارند و در رساله محمدیه آقای نورعلیشاه و نیز در بعضی نوشته‌های آقای سلطان‌علیشاه آمده است که اگر عشر را جدا کنید کافی است. این است که عشریه به این حساب جدا می‌شود. اگر بدانید محل مصرف آن چیست، خود شما مصرف کنید. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۵)**

در نحوه‌ی خرج کردن و مصرف وجوه شرعی، در درجه‌ی اول به عهده‌ی خود شخص است، منتها چون مصرف و اخذش انفرادی است یعنی هرکسی خودش می‌داند چه مالی دارد و چه درآمدی دارد، روشن است که خودش می‌تواند حساب کند. اما در مورد مصرف آنکه برای خودش نیست که از این جیب بردارد و در آن جیب بگذارد، مصرفش برای دیگری است. بنابراین باید بداند این کسی که این عشریه را من به او می‌دهم، جزء مواردی است که شرع گفته به او بدهید یا نه؟ ساده‌ترین نمونه‌ی آن، این است که شما مثلاً در خیابان، گدای مفلوکی را می‌بینید که معلول هم هست، دلتان می‌سوزد، یک مبلغی به او می‌دهید. همان شب یا فردا شب می‌بینید روزنامه نوشته که یک نفر گدا مرحوم شد در حالی که چند میلیون تومان در جیب‌هایش بوده است. بنابراین اگر شما به این‌طور شخصی از عشریه وجهی داده باشید آن پرداخت، قبول نیست و از نو باید آن وجه را پرداخت کنید. این است که چون همه‌ی مردم از حال هم و از حال جامعه خبر ندارند رسم شده است که این وجه را

به بزرگشان می دهند که او امکان تحقیق و امکان کسب اطلاعاتی را دارد که چه کسانی مورد مصرفش هستند. این است که به او می دهند. نه اینکه باید به او بدهند. در واقع او به وکالت از ایشان باید مصرف کند. پس اینکه رسم شده عشریه را بدهند، در واقع می خواهند مسئولیت را از روی گردن خودشان بردارند و به گردن کسی دیگر بگذارند که از این قبیل مسئولیت ها بر گردن از مو باریکترش فراوان است.

بنابراین اگر خودتان مصرف بجا کنید خیلی راحت تر است و از شما متشکر می شویم که خودتان خرج کنید. زحمت این وکالت را ندهید ولی اگر هم دادید وظیفه ی وکیل این است که به وکالت از شما خرج کند. مصارفش را در رساله های فقهی آقایان (که تقریباً همه رساله ها مثل هم است) بخوانید و اگر امکان تشخیص برایتان بود خودتان خرج کنید. مثلاً یکی نوشته بود آیا من عشریه خودم را می توانم به این انجمن هایی که تشکیل می شود بدهم؟ ظاهراً اینها اساسنامه ای دارند که خیلی خوب است ولی به صرف کاغذ و اساسنامه نمی شود اعتماد کرد. در همه جای دنیا می گویند در مملکت ما دموکراسی است ولی این هم وضع دنیاست که می بینید! همه ی ملت ها می گویند ما از همه بهتریم و از همه خوشبخت تریم! ولی آیا چنین است؟ این است که خود شخص باید به این جمعیت ها مطمئن باشد. اگر مطمئن بود که وجوه الهی در آنجا به مصارف صحیح می رسد، می شود داد و الا نه! حتی در مددکاری رضا که در واقع از خود ما فقر است، وقتی آنجا می خواستند جشنی بگیرند، من پرسیدم: هزینه ی جشن را از کجا پرداخت می کنید؟ گفتند که هزینه ی این جشن را ما خودمان چند نفری شخصاً می دهیم، از بودجه ی مددکاری رضا جشن نمی گیریم که تبریک بگوییم. آنوقت من رفتم و چای هم خوردم و شیرینی هم آوردند خلاصه یک مهمانی معمولی بود. بنابراین من توانستم وجهی به این چنین سازمانی بدهم. حالا در مورد سازمان های دیگر هم اگر مطمئن هستید همینطور باشد. به هر جهت اگر برحسب اطمینان خودتان، برحسب مسئولیت خودتان، این کار را بکنید، خیلی هم خوشحال می شویم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۰)

سؤال شده که خانمی می گوید: من کارمند هستم، تکلیف حقوق من و وجوه شرعی چیست؟ و ضمناً شوهرم مخالف با عشریه دادن است. اولاً خرج منزل به عهده ی شوهر است، بنابراین زن اگر در منزل هیچ خرج نکند، باز خرج خود او را هم باید شوهرش بدهد. اما آیا او پولش را جداگانه نگه می دارد یا در خرج خانه می گذارد؟ اگر جدا می کند آنچه مال خود اوست، چون زن در خانواده هیچ خرجی ندارد، باید از آن وجوه شرعی بدهد. اما اینکه گفته، شوهرم مخالف است. او با چه مخالف است؟ یکی ممکن است با عشریه مخالف باشد و بگوید عشریه بدعت است باید خمس و زکات بدهید، عشریه غلط است. زن در پاسخ بهتر است بگوید: اگر اینطوری است و تو به خمس و زکات باور داری و آنها را قبول داری، خود تو خمس و زکات من را حساب کن و بگو که من بدهم. هر چه گفت قبول کنید. اما بعضی ها هستند که اصلاً با دادن وجوه شرعی مخالف هستند و می گویند: همین مالیات که می دهیم کافی است. به حرف او گوش نکنید و خود شما بدهید. اگر شوهر با اصل حکم وجوه شرعی

مخالف است، به او گوش نکنید ولی اگر با عشریه مخالف است و می‌گوید: باید خمس و زکات داد، گوش کنید، به شرط اینکه خود او حساب کند و بگوید چه اندازه باید بدهی. چون دین شما برداشته نمی‌شود. اینگونه مسائل را پیشتر گفتیم که حتماً از یکی از آقایان تقلید کنید و رساله‌شان را بگیرید و دیگر محتاج نیست سؤال کنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۸۷/۶/۸)

در دیون شرعیه، مصرف آن فقط برای نیازمندان و مستمندان نیست. همه‌ی مصارفی که برای امر الهی است جزء دیون شرعی حساب می‌شود. فرض کنید مجلسی که برای خدا و یاد خدا تشکیل می‌شود، صاحب‌خانه کیست؟ خداوند است. هزینه‌ی آن محل را خدا باید بدهد. خدا از کجا بدهد؟ از همین دیونی که ما داریم. ما مدیون هستیم و باید بدهیم. بنابراین می‌بینید یکی از مصارف دیون شرعی همین هزینه‌ها است. اینها را چه کسی باید تشخیص بدهد؟ یکی می‌گوید باید در اینجا فرش چنین بگسترانیم. دیگری می‌گوید همان اتاق گلی و همان فرشی که بنشینند با یک چراغ کافی است. تشخیص آن به عهده‌ی کسانی است که اهل تشخیص هستند و این وظایف را دارند. فرض کنید در حسینیه گرما زیاد است، کولر می‌گذارند. خرج این را خدا باید بدهد. ما اینجا برای خدا می‌آییم و الا در خانه‌ی ما کولر بهتری هست. آن خرجی که خدا باید بدهد از دیونی است که ما می‌پردازیم. یکی از اینها برای حفظ عدالت است تا به قول حافظ: «گدا غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند». این را هم به خود افراد بشر سپرده است. خود او اینها را آفریده و خود او می‌گوید فکر کنید که تفاوت شما با حیوانات دیگری که آفریدم و مقّرر کردم که همه‌ی آنها مُسَخَّر شما باشند، چیست. نگاه کنید به شما چیزی داده‌ام که به آنها نداده‌ام و همان موجب شده که شما بر همه‌ی جهان مسلط باشید. آن چیست؟ آن فکر است که در پندصالح هم نوشته‌اند «فکر پایان‌بین». فکر کنید ببینید چه کسی هستید؟ (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۸۶/۵/۷)

بیانات حضرت آقاسی حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصالح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهرمی، امر به معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسله الاولیاء) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گویای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jovzveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.